

تجربه خواندن رمان‌های عاشقانه در فضای زندگی روزمره خوانندگان زن

محمد رضا جوادی یگانه¹

آسیه ارحامی²

دریافت 1388/1/20 تأیید 1388/7/12

چکیده

این تحقیق، تلاش می‌کند تا به شناخت رفتارهای مخاطبان در حوزه یکی از پرطرفدارترین بخش‌های ادبیات؛ یعنی رمان‌های عاشقانه عامه‌پسند بپردازد. رویکرد نظری این پژوهش، بر این است که، مخاطب فردی فعال است که نیت و انگیزه‌های خود را با روی آوردن به آثار عاشقانه نشان می‌دهد. در این نگاه، مخاطب آثار عامه‌پسند نیز می‌تواند درک خود را از این آثار، با توجه به تجربیات، اطلاعات و محیط اجتماعی و فرهنگی خود داشته باشد، و به امر تفسیر بپردازد. مخاطبین آثار عامه‌پسند، نه‌تنها مطرود نمی‌شوند بلکه دلایل روی آوردن آن‌ها به این آثار، نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. چراکه در این دیدگاه، فرض بر این است که؛ مخاطب فعالانه و با آگاهی بر اساس نیازی که دارد، دست به انتخاب این آثار زده است. این پژوهش، با استفاده از نظریه استفاده و رضامندی و پژوهش ردوی صورت گرفته است. شناخت مشخصه‌های فردی خوانندگان، علایق مخاطب در رابطه با رمان و علل روی آوردن خوانندگان به آثار عاشقانه، از دیدگاه خود آن‌ها از جمله اهداف پژوهش بوده است.

واژگان کلیدی: زنان، رمان عاشقانه، انطباق با زندگی روزمره، خوانش رمان.

1. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران myeganeh@ut.ac.ir

2. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تهران a.arhami@yahoo.com

مقدمه

آثار عامه‌پسند در متون تخصصی جامعه‌شناسی، عموماً مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. البته در نظریات جدید نقد ادبی و ارتباطات، نگاه مثبت‌تری به این آثار و خوانندگان آن وجود دارد. در جامعه‌شناسی ادبیات، به علت سیطره نظریات آدورنو و هورکهایمر و نگاه منفی که این دو به آثار عامه‌پسند دارند؛ این آثار، به چشم آثاری که توانایی نقد و جرح را از مخاطب گرفته است، نگریسته می‌شوند. در این نگاه، رمان‌های عامه‌پسند، کوچک شمرده می‌شوند، چراکه این رمان‌ها نمونه‌های سخیف و بی‌اهمیتی هستند که ارزش رمان‌های متعهد را پایین آورده و درک مخاطبین را پایین می‌آورند (مادلسکی¹، به نقل از استوری: 29).

از دیدگاه مکتب فرانکفورت، ماهیت "قالبی و از پیش هضم‌شده" امور عامه‌پسند، در عین اینکه سبب فراغت از خستگی و تلاش شده، باعث تجدید قوای فرد برای ادامه شرایط موجود نیز می‌شوند. بنابراین، فرد در پی تغییر شرایط کار و رهایی از خود-بیگانگی نخواهد بود. نویسندگانی چون لوئیس²، این رمان‌ها را نتیجه صنعت فرهنگ می‌دانند که ذهن مخاطبین را تباه کرده و عادات ذهنی آن‌ها را مبتذل می‌کند. طبق دیدگاه او، رواج این کتاب‌ها در میان مردم، بخاطر این است که زبان توده خوانندگان، فاقد منبع هنری و انباشته از احساسات قالبی و مبتذل است، در حالی که، رمان خوب با پیش‌داوری‌های خوانندگان برخورد می‌کند و عادات ذهنی آن‌ها را متزلزل می‌کند. (تادیه، 1377: 124). در کتاب ادبیات داستانی و عامه‌کتابخوان (1978)، مطالعه رمان‌های عامه‌پسند را نوعی اعتیاد می‌خواند. به گفته او، خوانندگان این قبیل داستان‌های رمانتیک به عادت خیال‌پروری دچار می‌شوند، عادتی که به ناسازگاری با زندگی واقعی منتهی می‌شود. «این رمان‌ها در واقع بروز احساسات راستین و اندیشه متعهد را با مانع روبرو می‌کنند» (استوری، 1383: 2).

در این نوع نگاه، آثار عامه‌پسند، توانایی ایفای هیچ کارکرد مثبتی را در زندگی روزمره مخاطبین ندارند و ارتباط او را با زندگی روزمره و واقعیت از بین می‌برند. این

1-Modleski

2-Louis

ادعا یک ادعای صرفاً نظری و یک‌طرفه است و تجربیات خود مخاطبین در آن، مورد-غفلت واقع شده است. برای بررسی این ادعا، باید نظریات خود خوانندگان این طیف از رمان‌ها را، در رابطه با کارکرد آثار عاشقانه در زندگی روزمره جویا شد. به عبارت دیگر، باید بررسی کرد که آیا این آثار، مانع انطباق با زندگی روزمره می‌شوند یا اینکه این خوانندگان، از این آثار برای انطباق با شرایط زندگی روزمره استفاده می‌کنند. لذا مسأله اساسی این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که «تجربه خواندن رمان عاشقانه، در زندگی روزمره خوانندگان زن چگونه است؟» یعنی آیا زنان، از رمان عاشقانه برای انطباق با شرایط زندگی روزمره استفاده می‌کنند، و اینکه رمان‌های عاشقانه چه کارکردی در زندگی روزمره زنان خواننده دارند؟

پیشینه پژوهش

تاکنون در ایران، در زمینه بررسی نوع کارکرد رمان‌های عاشقانه در زندگی روزمره خوانندگان، کاری انجام نشده است؛ عمده کارهای انجام شده نیز، تحلیل محتوای خود داستان‌ها است که در ذیل به چند مورد اشاره خواهد شد. اما در اروپا، این مخاطبین مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین بررسی انجام شده در زمینه مخاطبین آثار عاشقانه، پژوهش جنیس ردوی¹ در سال 1987 است که در بخش نظری به تفصیل خواهد آمد.

همچنین، کیم براکت² در سال 2000، در دانشگاه آبورن مونت گومری، پژوهشی با عنوان استراتژی «اثر برخورد»³، در میان خوانندگان داستان‌های عاشقانه انجام داده است. این پژوهش، یک پژوهش اکتشافی است و بر تجربیات خوانندگان رمان‌های عاشقانه، از برخوردهای دیگران با نوع خوانش آن‌ها متمرکز است. او معتقد است: اطلاع‌سازین از اینکه شما رمان عاشقانه می‌خوانید، داغ ننگی را بر پیشانی‌تان می‌زند که بر-اساس دیدگاه گافمن، داغ ننگ سبب طرد اجتماعی می‌شود. خوانندگان آثار عاشقانه عامه‌پسند، برای مقاومت در مقابل انتقادهای اطرافیان از نوع مطالعه‌شان، و مخدوش

1-Radway

2-Bracket.K

3-Face work

نشدن چهره‌شان، و طرد نشدن از جمع، از دو استراتژی کلی مدد می‌جویند؛ استراتژی جلوگیری و استراتژی تصحیح. در استراتژی جلوگیری، مخاطبین دست به پنهان‌سازی نوع مطالعات خود زده و در استراتژی تصحیح، سعی در توجیه نوع مطالعه خود می‌کنند (پراکت، 2000).

در ایران نیز تژا میرفخرایی (1384الف)، 21 رمان عامه‌پسند ایرانی دهه 70 را با استفاده از مدل شاتس مورد بررسی قرار داده است. این مدل، تمامی ژانرهای موجود را به دو ژانر کلی؛ سازگاری و نظم برای تحلیل تقسیم می‌کند. طبق این دو دیدگاه، آثار عامه‌پسند در حیطه ژانر سازگاری قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری

برای شناخت مخاطب عامه‌پسند می‌توان از دو رویکرد اصلی، نسبت به مخاطب نام برد: در یک نگاه مخاطبین به منزله توده‌ای منفعل تلقی می‌شوند که به راحتی تحت تأثیر معنای منتقل شده از آثار قرار می‌گیرند و توانایی نقد و جرح ندارند. طرفداران مکتب فرانکفورت، با این مبنا به مخاطب می‌نگرند. رویکرد دوم؛ مخاطب را فردی فعال در حوزه تفسیر معنا می‌داند. در این نگاه، مخاطبان هیچ‌گاه منفعل نیستند. معنای متون، معانی ثابت و ذاتی نیستند بلکه توسط خواننده خلق می‌شوند. هر خواننده، یکی از اعضای جامعه تفسیرگر را تشکیل می‌دهد که برحسب دانش و اطلاعات اجتماعی، میزان مطالعات و نوع سبک زندگی‌اش می‌تواند، به آثار پیش‌رو نگاهی متفاوت داشته باشد. در این دیدگاه، مخاطب مولد معنا است نه مصرف‌کننده صرف. نظریه کاربرد رسانه در زندگی روزمره، و استفاده و رضامندی در این حیطه قرار می‌گیرند (البته عمده این نظریات در رابطه با رسانه‌ها مطرح است نه ادبیات، اما از آنجا که ما به دنبال فهم تجربیات مخاطبین از رمان‌های عاشقانه هستیم و توجه به مخاطب عمدتاً در نظریات رسانه‌ای مطرح می‌شود، از این نظریات برای تحلیل استفاده خواهیم کرد).

کاربرد رسانه‌ها در زندگی روزمره: این نظریه در پی پاسخ به این سوال است که؛ مردم چگونه با رسانه‌ها معامله می‌کنند یا به عبارت دیگر، رسانه‌ها در زندگی روزمره ما چه نقشی دارند؟ این نظریه، سبب ایجاد شیوه‌ای از پژوهش است که در آن، محقق

کار خود را نه با بررسی متن، بلکه با تحلیل فرهنگ‌های زیست شده در زندگی روزمره مردم شروع می‌کند (استوری، 1384). به عبارت دیگر، عادات و فعالیت‌های ما به یکدیگر وابسته‌اند و از خلال یکدیگر قابل درک هستند. بسیاری از الگوهای مصرف در زندگی روزمره، ریشه در نقش‌های اجتماعی دارد که ما در زندگی روزمره، در مقام مرد یا زن برعهده داریم. در این نگاه جدید، خوانندگان قصه‌های عامه‌پسند می‌توانند به درکی از واقعیت برسند، راه‌های تغییر را بیابند و به بینش و نگرشی انتقادی دست بیابند. خوانندگان، دیگر مخاطبینی منفعل و غیرآگاه در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به عنوان افرادی آگاه و عقلانی در انتخاب این ژانر فعالیت می‌کنند). بیکر معتقد است؛ انتخاب رمان از سوی خوانندگان، درحقیقت نحوه بیان آنها را از جامعه نشان می‌دهد. این خوانندگان، از تصویر داستانی به‌مثابه امری برای بیان خودشان درباره جامعه استفاده می‌کنند (دوالت، 121:1385-122). آنها از طریق رمان‌ها، مطالبات خود را از جامعه بیان می‌کنند. مادلسکی، معتقد است روایت‌های عامه‌پسند مبین مسائل و تنش‌هایی کاملاً ملموس در زندگی زنان هستند (استوری، 1384). به‌عبارت دیگر، زنان با مطالعه این کتاب‌ها، به تصویر مرد آرمانی خود دست می‌یابند؛ چراکه مرد ایده‌آل آنها در این کتاب‌ها به نمایش گذاشته می‌شود. همان‌طور که ردوی اشاره کرده است؛ مهمترین جنبه خواندن داستان‌های عاشقانه از سوی زنان، دستیابی به اسطوره بنیادی مرد دلسوز است (همان: 34). یعنی آنها در این کتاب‌ها به‌دنبال مرد آرمانی خود می‌گردند. مردی که در زندگی واقعی خود خواستار آن هستند.

میشل دوسرتو¹، معتقد است افراد و گروه‌های فرودست در فرایند زندگی روزمره، به خلق شیوه‌هایی برای مقابله با سرکوب و سلطه برمی‌خیزند و با اشکال مختلفی از مقاومت، عملاً رابطه را به نحوی معکوس می‌کنند (به نقل از حمیدی، 1385)؛ چرا یکی از آن شیوه‌ها، خواندن رمان عاشقانه نباشد؟ زنانی که سرخورده از نوع رابطه خود با مردان هستند (چه در مقام همسر، و چه در مقام پدر و برادر)، به‌دنبال راهی برای فرار از این سرخورده‌گی می‌گردند، چراکه این مردان با تصویر مرد آرمانی موجود در ذهن آنها متفاوتند. انتخاب این رمان‌ها، می‌تواند راه مناسب و در عین حال مخفی برای

1-Michel de Certeau

اعتراض به شرایط موجود باشد؛ چراکه این رمان‌ها خواست آنها را به تصویر می‌کشند: مردانی مهربان، دلسوز و همیشه حاضر. در مقابل، مردان نگاه مثبتی به این گونه کتاب‌ها ندارند.

ردوی و قرائت داستان‌های عاشقانه: جنیس ردوی، در دانشگاه داک ادبیات تدریس می‌کند. قبل از انتقال به داک، در دپارتمان شهروندی امریکا در دانشگاه پنسیلوانیا درس می‌داده است. او همچنین استاد مطالعات فرهنگی و تئوری‌های فمینیستی است. قرائت رمان‌های عاشقانه، اولین کتاب اوست و در 3000 نسخه در دو چاپ پیاپی به چاپ رسیده است. ردوی، با استفاده از نظریه دریافت، به مطالعه خوانندگان داستان‌های رمانس پرداخت. او به دنبال این بود که بداند که زنان چگونه این رمان‌ها را تفسیر می‌کنند. ردوی در مطالعه‌ای روی چهل و دو زن متأهل ساکن در منطقه اسمیتون (1984)، به این نتیجه رسید که، مردان این کتاب‌ها، مردانی باهوش، با ذکاوت، مهربان و خوش خلق هستند، مردانی که نگران زنان‌اند، در موقعیت‌های حساس به یاری زنان می‌شتابند و به آنها کمک می‌کنند. حتی برای آنها خود را به خطر می‌اندازند (استوری، 1384). او با استفاده از نظریات نانسی چودورو¹، مبنی بر نحوه شکل گیری "خود مرتبط با دیگران" در دختران، و "خود مستقل" در پسران در دوران کودکی، این گونه بیان می‌کند که: درحقیقت، این داستان‌ها خواننده را از راه تخیل و به نحوی عاطفی، به زمانی می‌برند که شخصی بسیار دلسوز همه توجه خود را به او معطوف ساخته بود. طبق گفته‌ها چودورو، خود زنانه، خود مرتبط با دیگران است، حال آنکه، خود مردان، خودی مستقل است و این امر به دوران کودکی و رابطه کودکان با مادر باز می‌گردد: مادر، اولین شخصی است که هر کودک با او در ارتباط است و بنابراین کودکان به شدت به او وابسته هستند. اما با بزرگ شدن آنها، نوزاد پسر متوجه تمایز خود از مادر شده و دیگر به همانندسازی با او دست نمی‌زند؛ چون پدر در خانه غایب است، خود نوزاد پسر، خودی مستقل می‌شود، درحالی‌که خود دختران، به خاطر همانندسازی با مادر، خودی وابسته و مرتبط با دیگران می‌شود (هاید، 1384؛ گیدنز، 1376). داستان‌های عاشقانه وسیله‌ای هستند تا زنان بتوانند، از طریق رابطه

1-Chodorow

قهرمان مرد با قهرمان زن، از همان دلسوزی محبت‌آمیزی برخوردار شوند که خود آنان در زندگی روزمره، می‌بایست به‌نحوی یک‌طرفه به دیگران ارزانی کنند (استوری، 1380: 32). زنان با خواندن این کتاب‌ها، حداقل در زمانی کوتاه می‌توانند کسی دیگر باشند و در دنیایی دیگر زندگی کنند. آنها در پایان این رمان‌ها به این احساس اطمینان می‌رسند که مرد، و ازدواج دو چیز واقعاً خوب هستند (استوری، 1384: 34). ردوی معتقد است؛ مطالعه این کتاب‌ها از سوی زنان به‌خاطر رضایت از پدرسالاری نیست، بلکه خواندن این کتاب‌ها نوعی اعتراض از راه خیال‌پردازی، و حاکی از اشتیاق برای دنیایی بهتر است (همان: 36). او معتقد است؛ مهمترین فایده روانی این‌گونه کتاب‌ها، تکرار اسطوره فرهنگی تغییرناپذیر و جهانی و بنیادی مرد دلسوز است. زنان مورد مطالعه او، این کتاب‌ها را هدیه‌ای به خود، برای بازپس‌گیری زمانی که وقف کارهای خانه و خانواده می‌کنند، می‌دانند. آنها از این طریق، از تنش‌های ناشی از مشکلات و مسئولیت‌های روزمره رها می‌شوند و درضمن، زمان و مکانی برای خود می‌آفرینند که به آنها امکان توجه به نیازها و لذت‌های شخصی را می‌دهد. ردوی، در جریان مطالعات خود، بین عمل قرائت و خیال‌پردازی روایی ناشی از خواندن متون، تفاوت قائل می‌شود. عمل خواندن، سبب خیال‌پردازی و غرق در دنیای رمان شدن، و در نتیجه کتمان حقیقت می‌شود؛ اما قرائت در حقیقت تخالف‌ورزی سیاسی است، چراکه آنها از این طریق به نقش اجتماعی خود، که مبتنی بر انکار نفس‌شان است پشت می‌کنند. در حالی که، خیال‌پردازی، مبتنی و مؤید پدرسالاری، ایدئولوژی‌ها و رفتارهای اجتماعی ایجادکننده آن است (همان: 35). ردوی در این مطالعه، صرفاً به دنبال تفسیر خود زنان از رمان‌های عامه‌پسند بود و می‌خواست بداند که زنان، بر مبنای تجربیات ذهنی، فرهنگی و اجتماعی خود، به عنوان یکی از جماعت‌های تفسیرگر، چه معنایی را از این کتاب‌ها برداشت می‌کنند. او به تحلیل مساله فرار مخاطبین رمان‌های زنانه می‌پردازد و معتقد است که این فرار، به مخاطبین اجازه می‌دهد تا واقعیت زندگی اجتماعی خود، یعنی بازی کردن نقش خانه‌دار را در مناسبات مردسالارانه به‌خوبی تحمل نمایند. او در عین حال اشاره می‌کند که؛ خوانندگان رمانس‌ها، دانش عظیمی از تجربیات زندگی در جامعه، جهت بهبود زندگی زناشویی خود، یا راهنمایی فرزندان‌شان بدست می‌آورند. (میرفخرایی، 1380: ب).

فیسک¹، نیز در همین راستا اشاره می‌کند که؛ برخلاف تصور عمومی، که فرار را امری زبوانه و زنانه تفسیر می‌کند، فرار، بخشی از واقعیت مقاومت است (به نقل از میرفخرایی: 286ب). به عبارت دیگر، در این دیدگاه مخاطب با تفسیر متن بر مبنای زندگی روزمره خود، از کالای فرهنگی که در دست دارد لذت می‌برد.

جمع‌بندی

رمان نیز همانند بسیاری از امور زندگی روزمره، صرفاً فعالیتی تفریحی و برای گذران وقت نیست. بلکه خوانندگان، آگاهانه و براساس نوع نیازی که در درون خود احساس می‌کنند، دست به انتخاب ژانری خاص می‌زنند. رمان‌های عاشقانه نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

در این پژوهش، برای فهم ملموس بودن رمان‌های عاشقانه در زندگی روزمره، و کارکرد آنها، ابتدا ارزیابی خوانندگان از شخصیت‌ها و حوادث داستان و واقع‌گرا بودن آن‌ها بررسی شده، سپس به بررسی نوع ویژگی‌های اخلاقی، که قهرمانان باید دارا باشند پرداخته‌ایم تا از این طریق بدانیم؛ آنها در زندگی روزمره چه مطالباتی دارند. چراکه معتقدیم خوانندگان، از تصویر داستانی به‌مثابه امری برای بیان خودشان درباره جامعه استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، آنها از طریق رمان‌ها، مطالبات خود را از جامعه بیان می‌کنند.

روش پژوهش

از آنجاکه، هیچ پژوهشی در ایران تجربیات خوانندگان رمان‌های عاشقانه را در فضای زندگی روزمره آن‌ها بررسی نکرده است، هیچ داده قابل استنادی در این زمینه وجود نداشت؛ همین امر پژوهش را با دشواری‌های زیادی روبرو می‌کرد. همچنین، ابعاد متنوع تحقیق از قبیل؛ شناخت نوع مخاطبین، نوع رفتارها، انگیزه‌های افراد، علایق آنها و... لازم به داشتن نگاهی جامع و دقیق بود. در ضمن، یافتن خوانندگان رمان‌های عاشقانه به‌شکلی ساختارمند، از دشواری‌های دیگر در زمینه پژوهش است. در نتیجه، با کمک

1-Fiske.J

مصاحبه رودرو و ساختارمند، به شناخت رفتارها، انگیزه‌ها، چرایی گرایش خوانندگان رمان‌های عاشقانه، که عموماً زن هستند، دست یافتیم. علت عدم استفاده از پرسشنامه در این پژوهش، اکتشافی بودن موضوع موردنظر بود. مصاحبه، برای نویسندگان این امکان را به وجود آورد تا با کمک تماس چهره‌به‌چهره، شناخت بیشتری از رفتارها و علایق خوانندگان رمان‌های عاشقانه بدست آورند.

مصاحبه‌ها، توسط نویسنده دوم مقاله، از شهر کتاب ابن‌سینا جمع‌آوری شده است و بنابراین در تعمیم نتایج بدست آمده از این پژوهش، باید احتیاط کرد. از آنجا که این پژوهش، اکتشافی بوده این نتایج صرفاً مقدماتی هستند برای باز شدن راه تحقیق در زمینه مخاطب‌شناسی خوانندگان رمان‌های عامه‌پسند.

سؤالات موردنظر در متن مصاحبه، از پرسشنامه جنیس ردوی، که بر روی خوانندگان رمان‌های عاشقانه کار کرده و در کتاب قرائت داستان‌های عاشقانه منتشر کرده است (ردوی، 1987: 231-240)، گرفته شده. (این سؤالات، ترجمه شده و براساس شرایط جامعه ایران، استاندارد و در این تحقیق بکار گرفته شده است). ردوی برای انجام این تحقیق، از شیوه‌های متعددی استفاده کرده است: پرسشنامه فردی، بحث آزاد، مصاحبه شفاهی، گفتگوهای خودمانی و مشاهده تعامل اعضای مختلف جامعه نمادین خوانندگان رمان‌های عاشقانه (استوری، 1383).

روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. سن افراد، ملاک تعیین سهمیه قرار گرفته است. براساس مشاهدات قبلی، مخاطبان رمان‌های عاشقانه به سه گروه؛ نوجوان، جوان و بزرگسال، طبقه‌بندی شدند. جامعه نمونه این پژوهش، صرفاً از میان زنان انتخاب شده است (از آنجا که عمده خوانندگان رمان عاشقانه عامه‌پسند هستند، و مشاهدات نگارندگان نیز این امر را تأیید کرد)، اعم از مجرد و متأهل. البته مشخص است که این نوع از نمونه‌گیری، به علت داشتن اریب، مانع از دادن تعمیم به جمعیت بزرگ‌تر می‌شود.

از آنجاکه، لازمه مصاحبه رسیدن به اشباع در زمینه پاسخ‌ها است، به نحوی که محقق به این احساس دست یابد که دیگر پاسخ‌های افراد مورد مصاحبه شبیه هم شده و

جواب‌های جدیدی دریافت نمی‌شود، بعد از انجام 42 مصاحبه، این یک‌دستی بدست آمده و اشباع لازم به وجود آمد.

زمان صرف شده برای پر کردن مصاحبه‌ها، یک ماه و نیم بوده است که از تاریخ 87/9/15 شروع و در تاریخ 87/11/3 به پایان رسید. به عبارت دیگر، نویسنده دوم به مدت 2 ماه، هر روز، بعدازظهرها در شهر کتاب ابن‌سینا (در شهرک غرب)، برای انجام مصاحبه از خریداران رمان‌های عاشقانه عامه‌پسند حضور داشت (همانند یکی از کارکنان شهرکتاب).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دو راه استفاده شد. بخشی از سؤالات مصاحبه، این قابلیت را داشتند که بعد از انجام مصاحبه، به صورت سؤال‌های بسته درآیند. یعنی پاسخ‌ها از 3 یا 4 حالت خارج نبوده؛ بنابراین همانند سؤالات بسته قابل تبدیل به کد بوده و با کمک SPSS، تجزیه و تحلیل شده‌اند. اما پاسخ‌های خوانندگان و توضیحات آن‌ها تکمیل کننده بود، بعضی از پاسخ‌های افراد که گویاتر بودند نیز با ذکر سن، وضعیت تأهل و شغل افراد آورده شده است. برخی دیگر از سؤالات، که قابل تبدیل به کد نبود، به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. برای تجزیه و تحلیل این سؤالات، ابتدا داده‌ها به صورت مجزا نوشته شده و سپس عبارت‌ها براساس واحدهای معنایی و نظری، دسته‌بندی شده و مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. لذا روش تحقیق، ترکیبی از کمی و کیفی است.

یافته‌های پژوهش

جامعه نمونه این پژوهش، از شهر کتاب ابن‌سینا انتخاب شده است. به لحاظ سنی، تنوع زیادی در خوانندگان دیده می‌شود. در این پژوهش افراد مورد مصاحبه، 13 تا 78 ساله هستند. این خوانندگان را در یک نگاه کلی، می‌توان به سه گروه سنی؛ نوجوان (13 تا 20 سال) 38/1 درصد، جوان (20 تا 30 سال) 35/7 درصد، و بزرگسال (30 تا 65 سال) 26/2 درصد تقسیم کرد. با توجه به اینکه فقط یک فرد سالمند (78 ساله)، در نمونه‌ها حضور داشت تصمیم گرفتیم او را نیز در بین بزرگسالان دسته‌بندی کنیم. 26 درصد افراد مورد مصاحبه خانه‌دار بوده، و 21 درصد آنها شاغل، 26 درصد دانشجو و 26

درصد هم محصل بودند. به لحاظ وضعیت تأهل نیز، 57 درصد مجرد، و 16 درصد متأهل بدون فرزند و 26 درصد متأهل دارای فرزند هستند.

ارزیابی خوانندگان از شخصیت‌های رمان: برای فهم قابل لمس بودن رمان‌ها و حوادث آنها، از خوانندگان پرسیده شد که "آیا به نظر شما، شخصیت افراد رمان شبیه به زندگی معمولی شما هستند؟" اکثریت افراد (69 درصد)، پاسخ دادند که آنها «کمی» شبیه‌اند. فقط یک نفر معتقد بود که این حوادث، «کاملاً» شبیه زندگی اوست و 16 درصد هم معتقد بودند؛ «بسیار شبیه» زندگی آنهاست. اما اکثریت پاسخگویان، «تفاوت فاحشی» بین اطرافیان خود و شخصیت‌های رمان می‌دیدند.

در ادامه، گزینه پاسخ‌های پاسخگویان در این زمینه آورده شده است¹:

محصل 13 ساله: چون من عموماً رمان‌های جدیدی رو که منتشر شده می‌خونم، تا 99 درصد شبیه هستند، شخصیت‌هایی که توی رمان‌های مؤدب‌پور حضور دارند اکثراً شبیه افرادی‌اند که ما توی زندگی معمولی‌مون می‌بینیم. اون‌ها شبیه فامیل به‌خصوص پسر دایی و پسر عمه‌ام هستند.

دانشجو، 19 ساله مجرد: خیلی کم شبیه آدم‌های دور و بر هستند. اما بعضی اوقات پیش اومده که شخصیت‌ها شبیه خودم باشن مثل دختر غزل به خاطر نوع رفتارهاش و برخوردهایی که با پسرها داشت.

دانشجوی ارتباطات، 29 ساله مجرد: نه! فرق دارند خیلی وقت‌ها شعارگونه است اما من فکر می‌کنم یه چیزهایی شاید حالات شعارگونه داشته باشه اما انگار باید بیان بشه حتی اگه بدونیم واقعا وجود نداره چون همین بیان شدن به آدم امید میده شخصیت‌ها و حوادث رمان‌ها هم عموماً این طوری‌اند.

شاغل در بیمارستان، 20 ساله متأهل: نه! خیلی شبیه نیستند. آخه بیشتر شخصیت‌های داستان‌ها یا پولدارند یا خیلی فقیرند یا خیلی زیبا! ولی حداقل خود من که این طوری نیستم آدم‌های اطرافم هم کمتر این طوری‌اند.

درست است که اکثریت افراد، معتقد بودند شخصیت‌های موجود در رمان‌ها کمتر در زندگی روزمره قابل مشاهده هستند، اما وقتی از آنها پرسیده می‌شد؛ در همان میزان کم

1- متن مصاحبه‌ها در این مقاله به اختصار آمده است. برای اطلاع بیشتر از متن مصاحبه‌ها به ارجاعی (1388)، مراجعه کنید.

عمدتاً شبیه چه کسانی هستند، پاسخ‌ها بسیار متنوع بود. 69 درصد، آنها را شبیه به اعضای خانواده، دوستان و حتی خودشان می‌دیدند و فقط 31 درصد معتقد بودند شخصیت‌ها عمدتاً ایده‌آل بوده و قابل مشاهده در زندگی روزمره نیستند. نکته جالب اینکه؛ 19 درصد پاسخگویان، شخصیت‌های زن موجود در داستان را شبیه خودشان می‌دانستند، این گروه از مخاطبین، اکثراً از طیف سنی بزرگسال بودند (40 درصد). 50 درصد کسانی که شخصیت‌های داستانی را ایده‌آلی می‌دانستند نیز بزرگسال هستند. همانطور که جدول شماره 1 نشان می‌دهد؛ اکثریت افرادی که شخصیت‌های رمان را نزدیک به اعضای فامیل و دوستان می‌دانستند در طیف سنی نوجوان و جوان هستند. نوجوانان و جوانان معتقدند که؛ داستان‌ها به زندگی خودشان و اطرافیان‌شان شبیه است و این یعنی راز جذابیت رمان عامه‌پسند برای آنها. به عبارت دیگر، نزدیکی فضای رمان به تجربیات شخصی خوانندگان (به عنوان مثال: تجربیات عاشقانه‌ای که عموماً برای افراد نوجوان پیش می‌آید)، سبب ملموس شدن فضای رمان شده و خواننده، به راحتی می‌تواند خود را جای شخصیت اصلی گذاشته و هم‌ذات‌پنداری کند.

جدول 1: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع ارزیابی خوانندگان از شخصیت‌های داستان به تفکیک سن

کل	سن			دوستان	آنها عموماً شبیه چه کسانی هستند؟
	بزرگسال	جوان	نوجوان		
23/1	-	35/7	26/7	دوستان	
15/4	10/0	14/3	20/0	اعضای خانواده	
7/7	-	7/1	13/3	پسرهای فامیل	
33/3	50/0	21/4	33/3	آن‌ها عموماً ایده آلی اند	
20/5	40/0	21/4	6/7	خودم	
100/0	100/0	100/0	100/0	کل	

درجه معناداری: 0/27

خی دو: 9/8

شباهت رمان با وقایع زندگی روزمره: درباره اینکه حوادث داستان تا چه حد شبیه وقایعی است که در زندگی روزمره آنها اتفاق می‌افتد، اکثریت افراد (64 درصد)، معتقد

بودند؛ میزان این شباهت به زندگی شخصی آنها کم بوده و عموماً مسائل رمان‌ها را دور از خود می‌دیدند، 16 درصد افراد نیز معتقد بودند آنها اصلاً شبیه زندگی ما نیستند. بنابراین، اکثریت افراد، شباهتی بین زندگی خود و حوادث آن، با مسائل پیش‌آمده برای شخصیت‌های داستان نمی‌بینند، چراکه عموماً، نویسنده تجربه زندگی روزمره افراد عادی را کمتر بیان می‌کند و به سراغ موضوعات بسیار خاص می‌رود. ولی از دیدگاه اکثر افراد، ندیدن این حوادث در اطراف خود، به این معنی نیست که آنها غیر واقعی‌اند، بلکه آنها تا به حال این موضوع را تجربه نکرده‌اند.

بسیاری از خوانندگان معتقد بودند؛ آنچه مهم است شباهت حوادث داستان به زندگی ما نیست، بلکه مهم، کاربردی بودن داستان‌ها و موضوعات آن در زندگی روزمره است. بنابراین، بسیاری از خوانندگان به آموزنده بودن داستان‌های ایرانی معتقد هستند و عقیده دارند؛ این داستان‌ها در بسیاری از مواقع یا عبرت‌آموزند یا اینکه می‌توانند در حل مسائل پیش‌رو، راهگشا باشند.

بعضی از پاسخ‌های افراد در ذیل آمده است:

متأهل خانه‌دار، 40 ساله: خیلی شبیه، حتی اگه برای خود آدم هم پیش نیومده باشه اما باز هم آموزنده است چیزهایی که نویسنده‌ها ازش ایده می‌گیرند حتما وجود داره که نوشته شده و آدم باید ازشون عبرت بگیره. مثلاً به من یاد داده کجاها و در ارتباط با حوادث چه طوری برخورد کنم، چه طوری ناراحتی رو برطرف کنم. مهم این نیست که حتما عین اون حادثه اتفاق بیفته مهم کلیت چیزی که به آدم یاد می‌ده.

دانشجوی شیمی، 22 ساله مجرد: آره توی بعضی رمان‌ها شده که احساس کنم شبیه زندگی خودم، مثل افسون سبز شیوه ابراز احساساتش به طرف مقابل خیلی به من نزدیک بود. دیپلم، 19 ساله متأهل: بستگی به نویسنده داره. مثلاً مؤدب‌پور چون بیشتر در مورد مشکلات جامعه مثل فقر و اعتیاد مینویسه خیلی نزدیکه و آدم توی زندگی معمولی به طور مکرر می‌بینه اما بعضی نویسنده‌ها خیلی واقع‌گرایانه نمی‌نویسند.

دانشجوی گرافیک، 19 ساله مجرد: آره گاهی اوقات شبیه‌اند ولی به نظر من بخش آموزنده بودنش مهم‌تر از شبیه بودن مثلاً به ما یاد میدن چه طوری در مقابل سختی صوری کنیم و اگه مدارا کنیم به مرور مشکل حل میشه. یا اینکه آدم وقتی به سختی‌هایی که شخصیت‌های داستان می‌کشن نگاه می‌کنه مشکلات خودش کم‌رنگ‌تر می‌شه.

درباره اینکه، آیا بین سن پاسخگویان و نوع جواب آنها به این سؤال، رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؛ باید گفت که براساس جدول شماره 2، رابطه معناداری ملاحظه نشد. عمده تمرکز جواب‌ها، در تمامی گروه‌های سنی بر گزینه 2 (کمی شبیه‌اند) بود.

جدول 2: توزیع فراوانی پاسخگویان در زمینه میزان شباهت حوادث داستان به وقایع

زندگی روزمره به تفکیک سن

کل	سن			شبیه نیستند	داستان چقدر شبیه حوادثی هستند که شما به‌طور معمول در زندگی خود می‌بینید؟
	بزرگسال	جوان	نوجوان		
16/7	27/3	13/3	12/5	کمی شبیه اند	داستان چقدر شبیه حوادثی هستند که شما به‌طور معمول در زندگی خود می‌بینید؟
64/3	54/5	53/3	81/3	خیلی شبیه اند	
11/9	18/2	20/0	—	کاملاً شبیه اند	
7/1	-	13/3	6/3		
100/0	100/0	100/0	100/0	کل	

معناداری: 0/33

خی دو: 6/86

مقایسه واکنش‌های مرد داستان با رفتار مردان در زندگی واقعی: درباره اینکه واکنش‌های احساسی مرد داستان، تا چه حد شبیه به مرد موجود در زندگی افراد است باید گفت که؛ منظور از مرد، در زندگی متأهلین همسر آنها و در صورت مجرد بودن آنها، مقایسه‌ای است که با دوست پسرشان انجام می‌دهند. در صورت نداشتن دوست-پسر، برای مجردین از گزینه "هیچ مردی فعلاً در زندگی من نیست" استفاده شده است. چون هدف از این سؤال، بدست آوردن شباهت رفتارهای احساسی مرد داستان با مردی که افراد در زندگی واقعی خود با او رابطه احساسی دارند بود، از مقایسه با اطرافیان مرد، مثل برادر و پدر پاسخگویان پرهیز شده است. این سؤال از نوجوانان نیز پرسیده شده بود؛ اما از آن‌جا که تعداد کمی از آنها دوست پسر داشتند، بعد از تحلیل به این نتیجه رسیدیم که بهتر است پاسخ‌های آنها را حذف کنیم. 81/8 درصد افراد بزرگسال (که همگی متأهل‌اند)، معتقد بودند رفتارهای همسر آنها، هیچ شباهتی به

مردهای داستان ندارد و تفاوت فاحشی را، بین مرد داستان و مرد موجود در زندگی خود می‌دیدند، فقط یک نفر از افراد بزرگسال معتقد بود گاهی شباهت‌هایی را می‌توان دید؛ یک نفر از افراد بزرگسال (خانم 87 ساله)، نیز طلاق گرفته و هیچ مردی در زندگی او نبود. البته از سیر گفتگو با وی مشخص شد که از همسر قبلی خود بسیار ناراضی بوده و بنابراین او هم معتقد بود؛ هیچ شباهتی بین مرد شخصیت‌های داستان و همسرش وجود نداشته است. در عوض، 46 درصد از افراد جوان معتقد بودند مرد موجود در زندگی آنها (چه در مقام همسر و چه در مقام دوست‌پسر)، گاهی شبیه شخصیت‌های داستان است. 20 درصد جوانان هم، با هیچ مردی رابطه احساسی نداشتند. اکثریت افراد بزرگسال معتقد بودند؛ هیچ شباهتی بین مرد داستان و همسر آنها وجود ندارد، این امر خود می‌تواند دلیلی بر علاقه افراد بر خواندن این نوع کتاب‌ها باشد. چون آنها می‌توانند آنچه را در زندگی واقعی خود خواهان‌اند (یعنی داشتن مردی دلسوز و مهربان)، در رمان جستجو کنند (جدول 3).

رابطه بین سن و شباهت رفتارهای احساسی مرد داستان با مرد موجود در زندگی افراد نیز معنی‌دار بود. به عبارت دیگر، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود آنها شباهت کمتری بین مرد داستان و همسر خود می‌بینند. یکی از دلایل این امر می‌تواند جوانی شخصیت‌های داستان باشد؛ که قابلیت مقایسه را کمتر می‌کند. یعنی افراد بزرگسال، به علت تفاوت سنی که با قهرمانان داستان دارند کمتر خود را شبیه آنها می‌بینند.

مسلماً بین نوع بروز احساسات در جوانی و پیری تفاوت وجود دارد. واقعیت زندگی با رمان تفاوت زیادی دارد؛ وقتی افراد وارد زندگی مشترک می‌شوند و گرد زمان بر روی زندگی آنها می‌نشیند نوع بروز احساسات و عواطف نیز متفاوت خواهد شد. بنابراین، افراد متأهل کمتر شباهت می‌دیدند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، کمتر احساسات خود را همانند آنچه قهرمانان داستان در رمان‌ها انجام داده‌اند، بروز می‌دهند و همین امر سبب شده افرادی که سن بیشتری دارند، در مقایسه خود شباهت چندانی نیینند.

بعضی از پاسخ‌های افراد در ذیل آمده است:

متأهل خانه‌دار، 35 ساله: اصلاً شبیه اون‌ها نیست مردهای ایرانی متأسفانه عموماً شبیه هم‌اند خیانت توی خونشونه همه عین هم‌اند فقط بد و بدتر دارند.

43 ساله، متأهل کارمند: متأسفانه عموم مردهای ایرانی رمانتیک نیستند در حالیکه شخصیت‌های مرد داستان‌ها عموماً رمانتیک و احساسی‌اند به خاطر همین نه خیلی کم شبیه‌اند.

29 ساله، مجرد، کارمند بخش خصوصی: نه اصلاً شبیه دوستانم و اطرافیان نزدیکم نیست مردهای رمان‌ها شخصیت‌های خیلی آرمانی و خوبی دارند در حالیکه مردهای جامعه ما این طوری نیستند.

19 ساله: آره خیلی شبیه پسرهای فامیل‌اند البته عموماً شخصیت کتاب‌های مؤدب‌پور.

جدول 3: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مقایسه قهرمان مرد با رفتار مردان در زندگی

واقعی آنها به تفکیک سن

کل	سن			
	بزرگسال	جوان		
50/0	81/8	26/7	اصلاً شبیه او نیست	آیا واکنش‌های احساسی مرد داستان شبیه مرد موجود در زندگی شماست؟
30/8	9/1	46/7	گاهی شبیه اوست	
3/8	-	6/7	خیلی شبیه اوست	
15/4	9/1	20/0	هیچ مردی فعلاً در زندگی من نیست	
100/0	100/0	100/0	کل	

خی دو: 7/99 معناداری: 0/04

رمان و تجربه تمسخر: اینکه آیا تا به حال برای افراد پیش آمده که بخاطر خواندن کتاب‌های عاشقانه از سوی دیگران مورد تمسخر واقع شوند، نتایج نسبتاً مساوی به دست آمد. 57 درصد از پاسخگویان، مورد تمسخر واقع شدن را تجربه کرده و 42 درصد از پاسخگویان، هیچ‌گاه به چنین حسی دست نیافته بودند. در واقع، این افراد در اطراف خود عموماً با کسانی در تماس بودند که خودشان نیز، همین طیف رمان را می‌خواندند و یا در اطراف خود کتاب‌خوان نداشتند. بر اساس گفته‌های پاسخگویان،

بسیاری از کسانی که این سری کتاب‌ها را مورد تمسخر قرار می‌دادند، مردها بودند که از این کتاب‌ها با عنوان «وقت تلف کن» یاد می‌کردند.

تعدادی از پاسخ‌های پاسخگویان در ادامه آمده است:

19 ساله، متأهل، دیپلم:

نه اصلاً! اتفاقاً مدام به این و اون پیشنهاد میدم همه هم خوششون می‌یاد.

24 ساله، مجرد، دانشجوی زبان روسی:

آره خیلی زیاد. بیشتر خانواده‌ام اما گاهی شده بیرون کتاب رو با خودم بردم به خاطر اینکه وقتی این کتاب‌ها رو دست آدم می‌بینند مسخره می‌کنند یا بد نگاه می‌کنند روش رو پوشوندم.

22 ساله، مجرد، دانشجوی زبان انگلیسی:

آره! دوست پسر مدام به من می‌گه اینا چیه می‌خونی روت تأثیر منفی می‌گذاره مدام می‌خوای من رو با شخصیت‌های داستان مقایسه کنی و بگی یاد بگیر!

40 ساله، متأهل، خانه‌دار:

آره خیلی از دوستانم و اطرافیان به من میگن چیزی بخون که حداقل یه چیزی بهت اضافه کنه اما من معتقدم این کتاب‌ها هم به قدر کافی آموزنده است.

جدول شماره 4 نشان می‌دهد؛ کمترین (31 درصد) گروهی که تجربه تمسخر را داشته‌اند نوجوانان هستند، در حالی که، هر دو گروه سنی بعدی؛ یعنی جوانان و بزرگسالان، به میزان مساوی تمسخر شدن یا نشدن را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد؛ از آنجا که نوجوانان عموماً با طیف سنی خود در ارتباط هستند، کمتر مورد تمسخر قرار می‌گیرند چون آنها نیز همین طیف رمان را می‌خوانند. از آنجا که، این طیف از کتاب‌ها به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به دنیای رمان خوانی است، خواندن این رمان‌ها، برای نوجوانان از سوی جامعه بد تلقی نمی‌شود؛ با این فرض که، هرچه جلوتر می‌روند خود به خود به سمت رمان‌های جدی‌تر خواهند رفت. نکته دیگر اینکه، کمتر تفکر نقادانه در افراد این سن دیده می‌شود، به نظر می‌رسد آنها توانایی نقد جدی رمان‌های عاشقانه را ندارند، چه برسد به اینکه یکدیگر را بخاطر خواندن این رمان‌ها مسخره کنند. اما رابطه این دو سؤال، معنادار نبود.

جدول 4: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تجربه تمسخر برای خواندن

رمان عاشقانه به تفکیک سن

کل	سن			بله	آیا تا به حال برای شما پیش آمده که به خاطر خواندن رمان‌های عاشقانه مورد تمسخر و شماتت قرار بگیرید؟
	بزرگسال	جوان	نوجوان		
57/1	45/5	53/3	68/8	بله	
42/9	54/5	46/7	31/3	خیر	
100/0	100/0	100/0	100/0	کل	

خی دو: 1/58 معنا داری: 0/45

موضوعات مورد علاقه خوانندگان: در این بخش به سمت علایق و سلیق خوانندگان در زمینه موضوع رمانی که در دست دارند، طراحی شخصیت‌ها در رمان (چه مرد و زن) و نحوه روایت رمان می‌رویم. اینکه، افراد به چه نوع موضوعاتی علاقه دارند، بر انتخاب رمان از طرف آنها، هنگام خرید یا قرض گرفتن تأثیر می‌گذارد. درست است که تم اصلی این طیف رمان‌ها، عاشقانه است، اما هر موضوع عاشقانه‌ای می‌تواند با سایر موضوعات ترکیب شود. برای آگاهی بیشتر از این امر، دو سؤال طراحی شد؛ اول اینکه به نظر پاسخگویان چه موضوعی، موضوع خوبی برای رمان عاشقانه نیست؟

اولین موضوعی که از سوی اکثریت پاسخگویان، به‌عنوان موضوع کاهش دهنده جذابیت رمان مطرح شد و موضوعی که مورد علاقه نیست؛ استفاده از شخصیت زن پیش پا افتاده در رمان توسط نویسنده است (17 درصد از کل موارد اشاره شده). عموم پاسخگویان، از زن بی‌دست و پا، که توانایی اداره امور زندگی خود را نداشته باشد و نتواند بار زندگی خود را به دوش بکشد متنفر بودند.

سپس در 12 درصد از کل موارد، مرد ضعیف در داستان، مورد علاقه خوانندگان نبود. مردی که توانایی اداره زندگی خود را نداشته باشد و از عهده زندگی برنیاید. 11 درصد به شکنجه فیزیکی شخصیت زن و مرد داستان، و تجاوز به عنوان موضوعاتی که از جذابیت رمان می‌کاهد اشاره کردند.

مرد ستمکار با 9 درصد، گزینه بعدی را تشکیل می‌داد، در 8 درصد موارد به پایان غمگین و مردی که از زن قوی‌تر باشد اشاره شده، سپس غیر واقعی بودن به عنوان عنصری منفی برای رمان (6 درصد) از دیدگاه خوانندگان قرار داشت.

ذکر روابط جنسی، پراکنده‌گویی، تکراری بودن، خودکشی، سیاه‌نمایی، مثبت جلوه دادن همه چیز، زنی که قوی‌تر از مرد است؛ هر کدام یک‌بار (کمتر از 1 درصد) مورد اشاره واقع شده بود.

نکته جالب اینکه، خوانندگان در مجموع از داستان‌هایی که زن و مردی ضعیف در آن‌ها ترسیم شده لذت نمی‌برند، آنها خواهان شخصیت‌هایی قوی در اداره مشکلات زندگی هستند. به عبارت دیگر، آنها خواهان قهرمان‌سازی در داستان هستند. در صورتی - که قهرمانان داستان نتوانند مشکلات را از سر راه خود کنار زنند، داستان هدف اخلاقی خود را از دست می‌دهد. خوانندگان توقع دارند با خواندن داستان، امید پیدا کنند نه اینکه مدام از بی‌عرضگی شخصیت‌ها حرص بخورند!

گزیده‌ای از پاسخ‌های خوانندگان، درباره موضوعاتی که می‌تواند از جذابیت داستان بکاهد ذکر شده است:

دختر، 14 ساله، مجرد:

اینکه توی داستان خیلی اتفاقات بد نیفته، شخصیت‌های داستان به هیچ وجه زشت نباشند، بدجنس هم نباشند در ضمن دختر داستان خیلی خنگ نباشه از اون-هایی که هیچ‌کاری از دستشون بر نمی‌یاد رمان باید جذاب باشه اگه این‌هایی که گفتم، باشه به نظرم از جذابیت رمان کم میکنه.

دختر 28 ساله، متأهل، دانشجوی گرافیک:

موضوعاتی مثل اعتیاد، طلاق، یا تفاوت فرهنگ‌ها توی زندگی همه ما هست و خوبه که بیان بشه اما نوع عشقی که توی داستان‌هاست خیلی غیر واقعی، طرف ناگهان با یک نگاه عاشق می‌شه! در ضمن دخترهای داستان هم خیلی کارهای معمولی انجام می‌دهند بلندپرواز نیستند خیلی محدودند با دنیایی کوچک؛ که فقط به دنبال ازدواج با یه پسر خوبند که من اصلا دوست ندارم. دوست دارم دختر داستان بلندپرواز باشه.

40 ساله، متأهل، فوق لیسانس مامایی، خانه‌دار:

تجاوز، شکنجه فیزیکی شخصیت‌ها و اینکه یه زن زیبا در داستان‌ها مدام الگو می‌شه که همه خصوصیات خوب مال اونه این خیلی کلیشه‌ایه. همه اطرافیان اون زن خیلی معمولی‌اند گاهی هم خیلی زشتند و فقط اونه که فوق‌العاده است. این طوری من احساس می‌کنم که نویسنده‌ها آدم رو احمق فرض می‌کنند.

دومین مسأله، این بود که خوانندگان دوست دارند با چه نوع موضوعاتی در رمان برخورد کنند. در اینجا نیز گزینه‌ها متعدد بود:

بیشترین مورد ذکر شده از سوی پاسخگویان با 23 درصد، استفاده از عناصر عاشقانه در افزایش جذابیت داستان پیش‌رو بود؛ سپس این‌که در ابتدا بین شخصیت‌ها درگیری وجود داشته باشد و به مرور در طول داستان تبدیل به عشق شود با 14 درصد؛ این نکته که رمان مربوط به یک دوره تاریخی خاص باشد با 13 درصد. بیشتر پاسخگویان نیز در این زمینه به رمان "بامداد خمار" اشاره می‌کردند.

مواجه شدن با نوع خاصی از قهرمان زن و مرد در داستان، با 8 درصد، مورد بعدی را تشکیل می‌داد. البته تمامی کسانی که این گزینه را انتخاب می‌کردند روی این نکته تأکید داشتند که؛ نباید این متفاوت بودن به حدی باشد که شخصیت‌ها غیرواقعی و تخیلی جلوه کنند.

مجازات شخصیت منفی داستان، غیرمنتظره بودن حوادث داستان و پایان خوش در داستان (هرکدام با 7 درصد)، از سوی پاسخگویان مورد توجه واقع شده بود. درباره غیر-منتظره بودن، بسیاری از پاسخگویان اشاره می‌کردند که؛ حوادث داستان باید به شدت غیرقابل پیش‌بینی باشد.

بیان جزئیاتی از زندگی شخصیت نیز از جمله علایق خوانندگان بود، 6 درصد.

واقعی بودن داستان، گریه‌دار بودن آن و استفاده از شخصیت‌های خاکستری در داستان (یعنی نه کاملاً منفی و نه کاملاً مثبت) برای واقعی‌تر شدن داستان از جمله موارد دیگر بود.

آنچه، براساس گفته پاسخگویان، بیشتر سبب جذابیت داستان می‌شود عنصر عاشقانه است. از دیرباز، عشق پایه و اساس داستان را تشکیل می‌دهد؛ در تمامی اسطوره‌ها و داستان‌هایی که از گذشته به نسل حاضر رسیده، عشق نقش مرکزی را ایفا می‌کند. در

رمان‌های عصر جدید، اگرچه موضوعات عموماً اجتماعی است و تنوع کثیری دارد، اما باز هم ردپای عشق را در آنها می‌توان یافت. در رمان‌های عاشقانه، عشق محور همه چیز قرار می‌گیرد و تمامی حوادث براساس آن شکل می‌گیرند. عشق برای همه، هنوز راز و رمز بسیار دارد و همین نکته سبب روی آوردن افراد به رمان عاشقانه می‌شود.

مجموعه‌ای از پاسخ‌های خوانندگان در رابطه با آنچه سبب جذابیت داستان می‌شود در اینجا آورده شده است:

دختر، 13 ساله، محصل: داستان باید همراه ماجراجویی باشه، آدم رو گیج کنه تا جذاب بشه. مثلاً شخصیت‌های اصلی داستان مدتی هم رو گم کنند و بعد از مدتی همدیگه رو پیدا کنن.

30 ساله، متأهل، خانه‌دار: دوست دارم توی داستان‌ها یه زن بدون تکیه به پول و ثروت خانواده‌اش بتونه رو پا بایسته و پیش بره بدون اینکه خیلی هم زیبا باشه و زیبایی‌اش کمکش کنه یعنی نشون بدن آدم‌های معمولی هم می‌تونن موفق بشن.

40 ساله، متأهل، خانه‌دار، فوق‌لیسانس مامایی: شخصیت‌هاش شبیه ما باشند دور از ما نباشند داستان غلوگونه نباشه. در یک دوره تاریخی خاص هم اتفاق بیفتند.

همانطور که از جملات بالا مشخص می‌شود، خوانندگان بیشتر به دنبال موضوعاتی هستند که بتواند کشش خوبی را در داستان فراهم کند و سبب جذابیت آن شود. روابط عاشقانه، اختلاف و درگیری بین شخصیت‌های داستان که بعداً منجر به عشق شود، داشتن موضوعات متفاوت و غیرمنتظره که سبب جذابیت داستان می‌شود و... بنابراین، زنان خواننده رمان‌های عاشقانه به دنبال لذت بردن هستند و ترجیح می‌دهند این لذت، لذتی عاطفی و احساسی باشد.

ویژگی‌های مطلوب شخصیت‌های داستان: یکی دیگر از حوزه‌های مربوط به علایق خوانندگان، شخصیت زن و مرد اصلی داستان است؛ اینکه قهرمان زن و مرد داستان با چه نوع ویژگی‌هایی ظاهر می‌شود، که البته این علایق نیز تا حد زیادی، به تجربیات قبلی خوانندگان از سایر رمان‌ها، و تجربه زیسته خود آن‌ها در زندگی روزمره بستگی دارد. در ابتدا، نگاه خوانندگان به اینکه زن داستان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد معطوف می‌شود و سپس ویژگی‌های مرد داستان.

برای رسیدن به این فهم، از پاسخگویان پرسیده شد؛ " دوست دارید که شخصیت زن داستان چه ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی را داشته باشد؟" قوی بودن شخصیت زن تحت هر شرایطی، و قد خم نکردن در مقابل مشکلات بسیار از سوی پاسخگویان ذکر شد (25 درصد)؛ استقلال زن، جزء ویژگی‌هایی بود که پاسخگویان مایل بودند زن داستان دارا باشد (12 درصد)؛

همچنین داشتن ویژگی‌های ظاهری مثل زیبایی چهره مورد توجه واقع شده بود (9 درصد)؛

نجیب بودن زن با 7 درصد؛ منطقی بودن او در تصمیم‌گیری‌ها 7 درصد؛ داشتن موقعیت اجتماعی خوب 6 درصد؛ داشتن تحصیلات و احساسی نبودن زن در موقعیت‌های پیش‌رو 4 درصد؛

داشتن اعتقادات مذهبی، طرفدار حقوق زنان بودن، شوخ طبع بودن، پیش پا افتاده نبودن شخصیت زن، پر ادعا بودن زن داستان، وفادار بودن، صادق و احساسی بودن، از جمله ویژگی‌هایی بود که زنان می‌خواهند زن داستان داشته باشد (هر کدام 1 درصد). همانطور که ذکر شد؛ زنان عمدتاً خواستار روبرو شدن با زنی قوی و مستقل بودند که می‌تواند به تنهایی از عهده زندگی خود برآید. حتی در مواردی اشاره شده بود که استحکام شخصیت او، به حدی باشد که سایر ضعف‌های او از جمله زیبا نبودن، را تحت تأثیر قرار دهد. از نظر پژوهشگر، زنان جامعه ما به خوبی دریافته‌اند که در شرایط فعلی جامعه، مهم‌ترین ویژگی که برای یک زن لازم است استقلال و استحکام شخصیت اوست نه زیبایی. در ضمن، بسیاری از زنان از این‌که در داستان‌ها بیش از حد روی ویژگی‌های ظاهری زنان تأکید می‌شود ناراضی‌اند. آنها خواستار این نکته بودند که؛ نویسندگان، زنان را همان‌طور که هستند نشان دهند و از زن معمولی غافل نباشند. نکته جالب دیگر این‌که، عمدتاً نوجوانان روی ویژگی‌های ظاهری زنان تأکید می‌کردند، در حالی‌که زنان بالای 30 سال، توجه نویسندگان زن به ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها را زیر سؤال می‌بردند.

به چند مورد از اظهارات زنان پاسخگو، در پاسخ به اینکه "دوست دارید زن داستان چه ویژگی‌هایی را دارا باشد؟" اشاره می‌شود:

17 ساله، محصل: قوی باشه، زیادی احساسی نباشه، شخصیت مقاومی داشته باشه و بتونه به خاطر عشقش مقابل خانواده وایسه. مثلاً شخصیت زن داستان دالان بهشت خیلی خنگ بود و روی اعصاب آدم می‌اومد باید قوی باشه در برابر مشکلات.

28 ساله، متأهل، دانشجوی گرافیک: پیش پا افتاده نباشه، فعال باشه موقعیت اجتماعی خوبی داشته باشه، بلندپرواز باشه، قوی باشه در حالی که دخترهایی که الان توی رمان‌های ما هستند خودشون رو در جریان آب می‌اندازند ضعیف هستند؛ هر چه پیش آید خوش آید.

35 ساله، متأهل، خانه‌دار: مستقل و محکم باشه، بتونه خودش تصمیم‌گیرنده باشه. عاقلانه عمل کنه. یه اشکالی که در رمان‌های ایرانی هست اینه که زیادی میخوان زن رو خوشگل نشون بدن. همه عاشقش میشن این که یا اصولاً پسرها خوش تیپ‌اند و خوش‌هیكل، انگار اگه خوشگل نباشن دیگه خوب نیستند، همش خوبی رو با ویژگی‌های ظاهری پیوند میدن.

اکنون به ویژگی‌هایی که زنان دوست دارند مرد داستان دارا باشد، می‌پردازیم:

- اکثریت پاسخگویان خواستار مردی وفادار و پایبند به عشق بودند با 13 درصد؛
- سپس جذاب بودن مرد و توجه به ویژگی‌های ظاهری مرد داستان 10 درصد؛
- قوی بودن مرد در مقابل مشکلات، 10 درصد؛
- 8 درصد زنان خواستار مردی شوخ طبع مثل شخصیت مرد داستان‌های مؤدب‌پور بودند؛
- حمایت‌کننده بودن مرد نیز از جمله ویژگی‌هایی بود که مورد توجه واقعشده بود (6 درصد)؛
- منطقی بودن عکس‌العمل‌ها و رفتارها، 6 درصد؛ احساسی بودن مرد داستان 6 درصد؛ رقیق‌القلب و مهربان بودن او 4 درصد؛
- جدی بودن، باغیرت بودن، اجتماعی بودن، تحصیل کرده... نیز از ویژگی‌های دیگر بود.

این نکته باید ذکر شود که، هرچه سن افراد کمتر بوده توجه به ویژگی‌های ظاهری در مردان نیز بیشتر و هر چه سن افراد افزایش پیدا می‌کرد، پایبند بودن به خانواده و

صادق بودن مرد، داشتن اخلاق مناسب و... بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت؛ به نحوی که هیچ کدام از زنان بالای 30 سال، به ویژگی‌های ظاهری مرد داستان توجه نشان نداده‌اند. نکته جالب این بود، اکثریت زنان خواستار پایبند بودن مردان به تعهدات خود و وفادار ماندن به عشق خود بودند، تا اینکه براساس گفته ردوی، با مردی دلسوز مواجه شوند. ردوی، مهم‌ترین جنبه خواندن رمان‌های عاشقانه را بازسازی اسطوره مرد دلسوز می‌داند؛ اما این فرضیه در این پژوهش رد شد. بنا بر یافته‌های ردوی، زنان اسمیتون داستان‌های عاشقانه‌ای را می‌پسندند که در آن زنی با هوش، استقلال‌خواه و شوخ‌طبع پس از تردید فراوان و اندکی اختلاف، تسلیم عشق مردی با ذکاوت و با محبت و خوش-خلق می‌شود، مردی که مدام برای او دل می‌سوزاند (استوری 1383:31). اما در این تحقیق، زنان عمدتاً داستان‌هایی را می‌پسندند که، در آن زنی قوی، مستقل و زیبا مورد توجه مردی وفادار، جذاب و قوی قرار می‌گیرد. وقتی لذت‌بخش‌ترین چیز برای خوانندگان، روابط عاشقانه در داستان است، هر چیز که به این عشق صدمه‌ای برساند (عدم پایبندی مردان به روابط شخصی)، به شدت از سمت آنها رد می‌شود.

در اینجا، مواردی از پاسخ‌های مصاحبه‌شونده‌ها در پاسخ به این سؤال ذکر می‌شود: دختر 14 ساله، محصل: خوش‌هیكل، قدبلند، سخت‌گیر و مغرور نباشه، که بخواد مدام به آدم گیر بده، باهوش باشه و آدم اجتماعی باشه.

17 ساله، محصل: جدی و مغرور، بتونه عشقش رو در روابط خود ثابت کنه. فقط ببخود نگه که دوستش داره، توی رفتارش هم نشون بده.

29 ساله، مجرد، دانشجوی ارتباطات: دوست دارم از شرایط فعلی جامعه بهتر باشه، راستگو باشه وفادار باشه، درحقیقت ایده‌آل‌های آدم رو داشته باشه.

53 ساله، طلاق گرفته، بازنشسته: جوانمرد، بامسئولیت، زن رو بازیچه دست خود قرار نده.

35 ساله، متأهل، خانه‌دار: وفادار، خوش‌اخلاق بهتر از شرایط فعلی جامعه باشه.

دلایل انتخاب رمان عاشقانه: یکی از نکات اساسی در شناخت رفتارهای خوانندگان رمان‌های عاشقانه، شناخت دلایل گرایش افراد به این رمان‌ها است. از پاسخگویان پرسیده شد؛ "تا به حال فکر کرده‌اید از بین طیف عظیم رمانی که وجود دارد، چرا رمان‌های عاشقانه را انتخاب می‌کنید؟"

این سوال به صورت باز از پاسخ‌گویان پرسیده شد. به نظر می‌رسد می‌توان کلیه دلایلی که افراد در زمینه کتاب‌خوانی خود ذکر کرده‌اند را به دسته‌های زیر تقسیم کرد: رفع نیازهای عاطفی؛ کسب تجربه و اطلاعات، هویت‌سازی و هم‌ذات‌پنداری، رفع تنهایی؛ تکنیکی برای تمدد اعصاب.

در ادامه به شرح هر کدام از دلایل، بر مبنای پاسخ مصاحبه‌شونده‌ها می‌پردازیم:
الف) دلایل عاطفی: مثل مواردی که افراد به احساسی بودن خود و موضوعات کتاب اشاره کرده‌اند و یا اینکه، چون آرزوی دستیابی به همین شیوه زندگی عاشقانه را دارند به این طیف روی می‌آورند. به عبارت دیگر، این کتاب‌ها بخشی از نیازهای عاطفی افراد را برطرف می‌کند.

15 ساله، مجرد، محصل: شاید به خاطر سنم این کتاب‌ها مسائلی رو بیان میکنن آدم بیشتر تو این سن و سال باهاش در تماسه مثل عشق در ضمن کتاب‌های دیگه احتیاج به حوصله و وقت زیاد داره که من ندارم مثل سه تفنگدار. من به پیشنهاد بابام شروعش کردم اما نتونستم بخونمش.

30 ساله، متأهل، خانه‌دار: چون به نظر من اصل و اساس همه چیز توی زندگی عشقه و چون خودمون زندگی عاشقانه نداریم، خوندن این جور چیزها خیلی آدمو امیدوار میکنه به زندگی. به خاطر همین هم دوست ندارم خیلی ناراحت‌کننده و غمگین باشه.

27 ساله، متأهل، شاغل در داروخانه: به خاطر کمبود عشق توی زندگی‌هامون آدم این طوری خودش رو گول می‌زنه و یه مدت به اصطلاح تو خماری فرو می‌ره و شارژ می‌شه اما دوباره یه مدت که می‌گذره اون حس می‌خواهه باید یکی دیگه رو شروع کنی.

40 ساله، متأهل، خانه‌دار: به خاطر اینکه این کتاب‌ها خیلی رؤیایی نوشته می‌شن و آدم آرزو می‌کنه کاش زندگی و رابطه خودش با مردها این طوری بود.

ب) کسب اطلاعات و تجربه: یکی دیگر از دلایلی که خوانندگان بسیار به آن اشاره کرده‌اند؛ مثل مواردی که پاسخگویان به آگاهی از مشکلات دیگران و کسب تجربه، شناخت بیشتر برای برقراری ارتباط بهتر با دوستان خود اشاره کرده بودند. کتاب، از دیر-باز راهی برای شناخت دنیاها و نو و کسب تجربیات تازه بوده است. بسیاری از منتقدین معتقدند؛ رمان‌های عامه‌پسند به علت داشتن جهان‌بینی ساده و دو قطبی، توانایی

افزایش تجربه را در مخاطبین ندارند. حال باید دید، نظر خود خوانندگان چگونه است و در صورتی که این کتاب‌ها برای آنها همراه با افزایش اطلاعات است، این اطلاعات در چه زمینه‌ای است:

15 ساله، مجرد، محصل: چون آدم از سختی‌هایی که همه تجربه میکنند توی زندگی اطلاع پیدا می‌کنه و می‌دونه که تنها اون نیست که مشکل داره. در ضمن خیلی آموزنده‌اند به آدم یاد میدهند باید وفادار و پایبند بود تحت هر شرایطی و باید برای طرف مقابل دست به هر کاری بزنه.

29 ساله، مجرد، کار در شرکت خصوصی: در حقیقت خوندن این رمان‌ها به من کمک می‌کنه که بدونم چطوری زندگی کنم. از خیلی از جهات عبرت‌آموزی داره این که خیلی وقت‌ها تصمیم‌گیری بر مبنای احساس می‌تونه چه خطراتی داشته باشه و پشیمونی به همراه بیاره.

35 ساله، متأهل، خانه‌دار: من خیلی به کتاب علاقه دارم. وقتی تموم میشه احساس خلا می‌کنم برام خیلی آموزنده است که چه جور محکم و ایستم در برابر مشکلات، و دوست دارم دخترم اون‌ها رو بخونه و ببینه توی زندگی چه اتفاقاتی می‌تونه بیفته که ما نمی‌دونیم خیلی امیدبخشه.

ج فرار از تنهایی را نیز، می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از دلایل ذکر کرد که بیشتر درباره کسانی که بسیار تنها بودند اتفاق می‌افتاد؛ یعنی افراد بازنشسته. از آنجا که این افراد، دوره‌ای از زندگی خود را سر کار می‌رفتند و بیرون از منزل درگیر بودند و حالا بعد از بازنشستگی، با اوقات فراغت زیادی مواجه شده‌اند، بیشتر از سایرین، احساس تنهایی میکنند.

78 ساله، متأهل، بازنشسته: من همه طیف رمان می‌خونم. حوادث برام اهمیت داره. وقتی تمام مدت تنها باشی سعی میکنی یه کاری انجام بدی، من رمان می‌خونم و از این طریق سعی می‌کنم گذشته‌ام رو بشناسم.

53 ساله، طلاق گرفته، بازنشسته: چون خیلی احساس تنهایی می‌کنم، به کتاب پناه می‌برم من فقط عاشقانه نمی‌خونم، رمان تاریخی و کتاب‌های روانشناسی هم زیاد می‌خونم، چون واقعا بهم کمک می‌کنه.

د) هویت‌سازی از طریق شخصیت‌های داستان، از موارد دیگر است. مثل مواردی که افراد به این موضوع اشاره کرده بودند؛ در این کتاب‌ها به راحتی می‌توان خود را جای شخصیت‌ها گذاشت و هم‌ذات‌پنداری کرد.

19 ساله، مجرد، دانشجو: چون خیلی دوست دارم محو داستان بشم و مدام خودم رو جای شخصیت‌های داستان بگذارم این کتاب‌ها هم بیشتر این امکان رو فراهم می‌کنند.
54 ساله، متأهل، بازنشسته: چون این سری از کتاب‌ها خیلی لطیف و احساسی‌اند، روابط بین آدم‌ها رو خوب بیان می‌کنن، آدم می‌تونه خودش رو مدام جای شخصیت‌ها بگذاره.

ه) نثر راحت این کتاب‌ها و امکان خواندن آنها تحت هر شرایطی، نیز از سوی پاسخگویان به‌عنوان یکی دیگر از دلایل ذکر شده بود. ادبیات نخبه‌گرا، نیازمند وقت گذاشتن و تمرکز کافی است. بسیاری از آنها، نثر متکلفی دارند که به راحتی و روزنامه‌وار نمی‌توان آن‌ها را خواند، بلکه لازم است روی جمله جمله آن ایستاد و فکر کرد. استفاده از بازی‌های زبانی، در آثار نویسندگان نخبه‌گرا؛ مثل جریان سیال ذهن و بیان تغزلی گلشیری، استفاده هدایت از اکسپرسیونیسم، سوررئالیسم، و پوچی در نوشته‌های صادق هدایت، ذهن خواننده را مدام با پرسش روبرو می‌کند و مانع از بین رفتن تمرکز او می‌شود (محمودیان، 1382). در این میان، خوانندگانی که کمتر مایلند خود را سختی دهند و برای خود درگیری ذهنی ایجاد کنند، به سراغ رمان‌های عاشقانه که نثر بسیار راحتی دارند می‌روند. در این طیف کتاب‌ها، در صورتی که شما به هنگام مطالعه کتاب، لحظه‌ای تمرکز خود را از دست دهید، باز هم در جریان حوادث خواهید بود.

20 ساله، متأهل، شاغل در کلینیک: رمان‌های عاشقانه خیلی زود تموم می‌شن و زود به نتیجه می‌رسن وقت زیادی لازم نیست سرش بگذاره.

35 ساله، متأهل، کارمند: چون این کتاب‌ها رو راحت‌تر می‌شه خوند تمرکز کمتری لازم دارند. مثلاً من جان شیفته رو وقتی خوندم خیلی خوشم اومد، ولی واقعا وقت و تمرکز می‌خواست که من چون کارمندم وقت ندارم. در ضمن این کتاب‌ها اون طوری که ما دوست داریم تموم می‌شه و به آدم آرامش می‌ده.

و) تمدد اعصاب نیز یکی دیگر از موارد مورد اشاره بود. زندگی مدرن، با فشارهای متعدد و طاقت‌فرسا همراه است. فرار از این فشارها نیز مقدور نیست. در این میان، هر فرد، بنا به شرایط زندگی و شخصیتی‌اش، راهی را برای کاهش فشارها و تمدد اعصاب دنبال می‌کند؛ مطالعه نیز می‌تواند یکی از این راه‌ها باشد، آثار عامه‌پسند به علت نثر راحت خود، این امکان را به خواننده خسته خود می‌دهند. بنا به گفته مکتب فرانکفورت، ماهیت "قالبی و از پیش هضم‌شده" امور عامه‌پسند، در عین این‌که سبب راحتی از خستگی و تلاش می‌شود، به تجدید قوای فرد، برای ادامه شرایط موجود نیز می‌انجامد (بنت، 1386). بنابراین، فرد در پی تغییر شرایط کار نخواهد بود. از این طریق که مصرف محصولات عامه‌پسند، علاوه بر این‌که راحت شدن از "خستگی و تلاش" را در پی دارد، سبب حداکثر استراحت و تجدید قوا برای شروع مجدد کار است، چون در حین مصرف این محصولات، نیازی به فکر کردن وجود ندارد:

26 ساله، شاغل در شرکت خصوصی؛ چون این کتاب‌ها احساسی‌اند و آدم موقع خوندنش لذت بیشتری می‌بره و آرامش بخشه وقتی اعصاب از همه خورده، خیلی کمک می‌کنه که آدم آرام بشه.

43 ساله، متأهل، خانه‌دار: برای من این طوری نیست که بگم عاشق این کتاب‌های عاشقانه‌ام، چون می‌خوام آرام‌تر باشم و اعصابم آرام شه. میرم سراغ کتاب؛ توی این شرایط هم همیشه کتاب سخت خوند. این کتاب‌ها نثر راحتی دارند که در هر شرایطی میشه خوندشون. در نتیجه، اکثریت پاسخگویان برای برطرف کردن نیازهای عاطفی خود، به رمان‌های عاشقانه روی می‌آورند و این نشان دهنده کمبود عاطفی عظیمی است که خوانندگان در زندگی‌های شخصی خود حس می‌کنند (تمامی پاسخ‌های مصاحبه‌شونده‌ها در «ارحامی، 1388» موجود بوده که در این جا به اختصار بیان شده است).

هر فرد، برای رفع مشکلات خود به راه حلی پناه می‌برد؛ یکی از این راه‌ها برای زنان، خواندن رمان‌های عاشقانه است. آنها با خواندن این کتاب‌ها به دنبال آنچه در زندگی خود فاقد آن هستند، می‌گردند.

همچنین، اکثریت کسانی که به افزایش تجربه و اطلاعات خود اشاره کرده بودند، در زمینه آگاهی از چگونگی عملکرد در رابطه با جنس مخالف، به شناخت مشکلات و درگیری‌های سایر زنان اشاره کرده بودند. به عبارت دیگر، رمان‌های عاشقانه توانایی

تغییر جهان‌بینی را ندارند، و تنها در مسائل خُرد، توانایی افزایش تجربه را دارند. البته باید این نکته ذکر شود که این مسئله (یعنی شناخت جنس مخالف و یا مشکلات دیگران)، برای زنان نه تنها مسئله‌ای خُرد نیست، بلکه بخش مهمی از زندگی را در بر می‌گیرد. چون برای زنان روابط احساسی و شناخت راه‌های بهبود این روابط، اهمیت بسیاری دارد. همان‌طور که ردوی اشاره کرده بود، خوانندگان رمان‌های عاشقانه، از این طریق به دانش عظیمی از تجربیات زندگی در جامعه، جهت بهبود زندگی زناشویی خود یا راهنمایی فرزندان‌شان دست می‌یابند.

مک کوایل، بلامر، براون در سال 1972، پس از مطالعه تعدادی از برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی در انگلستان، طرح‌واره زیر را مطرح کردند؛ که مهم‌ترین ابعاد رضایت از رسانه‌ها (نظریه استفاده و رضامندی) را در برمی‌گیرد (مک کوایل، 1380، انگ، 1379):

- سرگرمی: فرار از روزمرگی یا مشکلات زندگی؛ تخلیه عاطفی؛
- روابط شخصی: همراهی و همنشینی؛ کاربردهای اجتماعی؛
- هویت شخصی: معرفی خود؛ تحکیم ارزش‌ها؛ کشف حقیقت؛
- نظارت: اشکال مختلف اطلاعات جویی؛

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، درباره پاسخگویان نیز این موارد را شاهد هستیم. مطالعه رمان‌های عاشقانه، صرفاً حکم تفریحی خارج از اندیشه را ندارد، بلکه فعالیتی گزینشی و انگیزه‌مند است (انگ، 1380: 255). در این دیدگاه، هر کاربردی همراه با رضایت است، به عبارت دیگر، ما به عنوان مخاطبینی فعال، دست به انتخاب می‌زنیم و هدفمان از این انتخاب، کسب رضایت خاطر و ارضای نیازهای اجتماعی و روانی است.

نتیجه‌گیری

اینکه مخاطب را فردی منفعل در نظر بگیریم و یا فعال، در نگاه ما به مسئله تحقیق نقش مهمی را ایفا می‌کند. در رویکرد اول؛ خواننده هیچ نقش مؤثری را در طول فرایند خوانش ایفا نمی‌کند، روی آوردن او به این طیف از آثار، صرفاً از سوی اصحاب رسانه و برای کسب سود و یا تحت اختیار قرار گرفتن افکار عامه مردم، برای رسیدن به مقاصد

خود تلقی می‌شود؛ نه به عنوان انتخابی آگاهانه از سوی خود خوانندگان. در نتیجه، در رویکرد منفعلانه، دلایل روی آوردن خوانندگان به آثار مورد مطالعه، و یا انگیزه‌ها و عادات آنها در خوانش، امری غیرقابل بحث و بررسی است. چراکه مخاطب نقشی در انتخاب آنها ندارد. در حالی که، در رویکرد دوم؛ خواننده فردی فعال در خلق معنا تلقی می‌شود. بنابراین، آگاهانه و برحسب نیازهای خود دست به انتخاب آثار می‌زند.

در این پژوهش نیز، بر اساس پاسخ‌های خوانندگان رمان‌های عاشقانه، آنها آگاهانه دست به انتخاب این رمان‌ها می‌زنند، تا بعضی از خلاءهای موجود در زندگی روزمره خود را پر کنند.

براساس آنچه که از پاسخ‌های خوانندگان دریافت می‌شود، انتخاب رمان از سوی خوانندگان در حقیقت نحوه بیان آنها را از جامعه نشان می‌دهد. این خوانندگان از تصویر داستانی، به مثابه امری برای بیان خودشان درباره جامعه استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، آنها مرد ایده‌آل خود و ویژگی‌های اخلاقی را، که دوست دارند زنان و مردان جامعه دارا باشند (وفاداری در مردان و شخصیت زن توانمند)، در رمان جستجو می‌کنند.

همانطور که ردوی بیان کرده است؛ زنان با خواندن این کتاب‌ها، حداقل در زمانی کوتاه می‌توانند کسی دیگر باشند و در دنیایی دیگر زندگی کنند. آنها در پایان این رمان‌ها، به این احساس اطمینان می‌رسند که؛ مرد و ازدواج دو چیز واقعاً خوب هستند. داستان‌های عاشقانه وسیله‌ای هستند تا زنان بتوانند، از طریق رابطه قهرمان مرد با قهرمان زن، از همان دلسوزی محبت‌آمیزی برخوردار شوند که خود آنان در زندگی روزمره، می‌بایست به نحوی یک‌طرفه به دیگران ارزانی کنند. آنها از این طریق، از تنش‌های ناشی از مشکلات و مسئولیت‌های روزمره رها می‌شوند و زمان و مکانی برای خود می‌آفرینند؛ که به آنها امکان توجه به نیازها و لذت‌های شخصی را می‌دهد. فرار، به مخاطبین اجازه می‌دهد تا واقعیت زندگی اجتماعی خود، یعنی بازی کردن نقش خانه‌دار را، در مناسبات مردسالارانه به خوبی تحمل کنند. او در عین حال اشاره می‌کند که؛ خوانندگان رمانس‌ها، به دانش عظیمی از تجربیات زندگی در جامعه، جهت بهبود زندگی زناشویی خود یا راهنمایی فرزندان‌شان دست می‌یابند.

بنابراین، این داستان‌ها نه تنها در زندگی زنان کارکرد دارد، بلکه میزان انطباق آنها را با زندگی روزمره افزایش می‌دهد. این رمان‌ها، درحقیقت باعث می‌شوند زنان، از فشارهای زندگی روزمره رهایی یابند، و به زندگی امیدوار شوند.

منابع

- ارحامی، آسیه (1388) *مخاطب‌شناسی رمان‌های عاشقانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- استوری، جان (1383) *داستان‌های عامه‌پسند*، ارغنون (شماره 25: ویژه داستان‌های عامه‌پسند)، ترجمه حسین پاینده، شماره 25: صص 1-43.
- انگ، ین (1379) *مخاطبان رسانه‌ها چگونه معنا خلق می‌کنند*، در: جامعه و فرهنگ. جلد پنجم، ترجمه هومن پناهنده، 247 - 267
- تادیه، ژان ایو (1377) *جامعه‌شناسی ادبیات و شاخه‌های گوناگون آن*، در: درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- حمیدی، نفیسه (1385) *بدن و زندگی روزمره*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دوالت، مارجوری ال (1385) *روش‌هایی بخش مطالعات زنان و پژوهش اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودیان، محمد رفیع (1382) *نظریه رمان و ویژگی‌های رمان فارسی*، تهران: فرزانه روز.
- مک کوایل، دنیس (1387) *مخاطب‌شناسی*، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- میرفخرایی، تژا (1384) *رمان‌های عامه‌پسند ایرانی، سازگاری زن، مطالعات فرهنگی و ارتباطات*: شماره 4: 199-121.
- میرفخرایی، تژا (1384) *ادبیات داستانی و گفتمان فرهنگی*، در: جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات) جلد چهارم: 277 - 315.

Braket, kim Pettigrew (2000) *Facework strategies among romance fiction readers*, social science journal . 37(3): 347-360.

Radway, Janic (1987) *Reading popular romance*. London: verso.